

جایگاه زن در تمدن فراعنه با تأکید بر نتایج باستان‌شناسانه دوره امپراطوری جدید

(1000-1500 ق.م)

بهاره جواهری*

چکیده: پروفیسور ژان یویوت، یکی از بزرگترین مصرشناسان فرانسه می‌گوید: «شاید به خلاف آن‌چه خود مصری‌ها می‌پندارند، خاستگاه همه چیز در مصر نباشد، ولی باید بپذیریم که حدود 3000 سال پیش از میلاد مسیح، مصر [1] از سرزمین‌های همسایه‌اش بسیار پیشرفته‌تر بوده است. نشانه‌های ماندگار، شاهکارهای معماری و آثار هنری به جا مانده از آن، از ورای قرن‌ها به دست ما رسیده‌اند؛ و همین امر شهرتی بیش از تمدن‌های دیگر آن زمان برایش به ارمغان آورده است.» (یویوت، 112) تاکنون بارها در مورد این کشور، حکمرانان آن، این که فراعنه که بودند و چه کردند سخن‌ها گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند. ما در این مقاله می‌کوشیم به چشم‌انداز دیگری از مصر باستان بپردازیم: حضور زنان در سطوح مختلف معنوی و اجتماعی و برخورداری آن‌ها از حقوق و امتیازاتی که نه تنها در آن دوران، بلکه حتی امروز نیز بسیاری کشورهای دیگر از آن‌ها بی‌بهره‌اند. در مصر فراعنه، اوج معنویت از آن زنان بود، زنان می‌توانستند در رأس بالاترین مناصب حکومتی و دولتی قرار گیرند و حتی گاهی در مقام فرعون، زمام امور را در دست بگیرند.

واژه‌های کلیدی: مصر باستان، فرعون، الهه، زن، حقوق، جایگاه.

مقدمه

ژان فرانسوا شامپولین، پدر مصرشناسی، که در سال 1822 موفق به رمزگشایی خط هیروگلیف شد، طی تنها سفر خود به مصر با مشاهده معابد حفر شده در صخره‌ها و تصویر زنی مصری چنین می‌نویسد: «حالت و وقار این زن، بیانگر هزاران واقعیت است. چقدر تمدن مصر با سایر کشورهای مشرق زمین تفاوت داشته و به تمدن ما نزدیک است؛ چرا که می‌توان میزان تمدن یک ملت را بر اساس وضعیت کم و بیش اجتماعی زنان در سازماندهی اجتماعی آن تمدن سنجید.» (ژک [2]، 1996، 11) وی هم‌چنین طی

ranginkaman@hotmail.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
تاریخ دریافت: 1389/01/21 تاریخ پذیرش: 1389/09/16

مشاهدات و بررسی‌های خود متوجه این نکته اساسی می‌شود که زن مصری در دوران فراغنه جایگاهی فوق‌العاده، نه فقط نسبت به فرهنگ یونانی - لاتین که حتی نسبت به جوامع قرن نوزدهم در تصرف خود داشته است. حتی در سنگ‌نوشته‌ها و پاپيروس‌های بسیاری که از آن زمان به ما رسیده‌اند «نام خانوادگی فرعون را نه در کنار اسم کوچک خودش، بلکه در کنار اسم کوچک ملکه‌اش می‌بینیم» (همان، 107)، که این امر به وضوح نشانگر این واقعیت است که در مصر باستان نه یک مرد با قدرتی مردسالارانه و مطلق، بلکه یک زوج فرمانروایی می‌کردند، هر دو اجزای تشکیل‌دهنده یک نام بودند، یک ذات واحد سلطنتی که دو عنصر تشکیل‌دهنده‌اش لاینفک بودند.

از ابتدای سلطنت فراغنه، زن به جای آن که در اتاقی تاریک منزوی شود و تحت سلطه پدر و یا همسری مقتدر باشد از آزادی عملی کامل برخوردار بوده است. نخستین یونانی‌هایی که از مصر دیدن کردند از این استقلال و آزادی زنان مصر به شگفت آمدند.

«دیودور دو سیسیل (Didor de Sicile) جغرافی‌دان، که به شدت تحت تأثیر جایگاه ویژه زنان مصری قرار گرفته است، بررسی و مشاهدات خود را تا آنجا پیش می‌برد که می‌نویسد: زن مصری از قدرتی تام برخوردار بوده و برهمسر خود سلطه کامل داشته است.» (همان، 12) که البته این امر سبب شده به اشتباه واژه مدارسالاری به مردم سواحل نیل نسبت داده شود. با این وجود نمی‌توان واقعیات زیر را انکار کرد:

1- به طور قطع، مادران فراغنه مقام و جایگاهی مرکزی و اساسی در ایجاد و دوام قدرت داشته‌اند.
2- سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های بی‌شماری وجود دارند که با بررسی آن‌ها این حقیقت آشکار می‌شود که در آن زمان پسران به هنگام معرفی خود، به جای آن که بگویند فرزند آقای ایکس هستند خود را با نام مادر معرفی می‌کردند.

3- شخصیت‌های بزرگ آن زمان، اغلب در آرامگاه‌های خویش چهره مادران خود را به تصویر می‌کشیده‌اند و بدین ترتیب او را تا ابد به همراه خود داشته‌اند.

اما دلایل ذکر شده به هیچ عنوان نشانه سواستفاده زنان از قدرت نیست؛ چرا که در واقع در مصر فراغنه زنان و مردان هیچ ظلمی در حق جنس مخالف خود نمی‌کردند.

بررسی‌های بنیادی نشان می‌دهد که زنان مصر در رأس بالاترین مناصب حکومتی قرار داشته‌اند. آنچه که در جوامع واجد دموکراسی مدرن امروزی نیز کمتر به چشم می‌خورد. البته با کنکاش در تاریخ مصر، نقش سیاسی و اجتماعی زنان مصر به وضوح نمایان می‌گردد. در حقیقت به دلیل وجود یک نظام قضایی درخور توجه، زنان و مردان مصری در تمامی حقوق و فعالیت‌ها برابر بودند. البته می‌بایست

نوعی آزادی واقعی را نیز به این شرایط قانونی مصر، که تا قبل از حکومت بطالمه (Ptolémée) زیر سؤال نرفته بود، اضافه کرد؛ چرا که زنان مصری تحت هیچ قیومیتی نبوده‌اند.

از سوی دیگر این اصل که زنان مصری از رفاه زندگی بالایی برخوردار بوده‌اند، انکارناپذیر است، شرایطی که البته برای میلیون‌ها زن امروزی هنوز هم چندان آشنا نیست. چرا که در برخی از زمینه‌ها به عنوان مثال معنویت، زنان کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته امروزی هنوز نتوانسته‌اند به صلاحیت و ظرفیت نهادی که زنان مصری بر آن احاطه داشته‌اند، نائل شوند. در واقع امروزه تصور یک زن در مقام پاپ، خاخام بزرگ و یا امام جماعت یک مسجد امری است ناممکن، در حالی که در مصر باستان زنان بسیاری در رأس این مشاغل قرار داشته‌اند.

آنچه که بشر را پس از شیفتگی‌اش برای هنر مصر، مجذوب و فریفته خود می‌کند احترام بی‌وصف آنان به زن است. زن زیبا، آرام و جوان مصری با شیوه‌ای مؤثرتر از جنس مخالفش، در ساخت تمدنی سهیم است که خود را وقف پرستش زیبایی و از آن جمله، زیبایی زن کرده است. البته این زیبایی برای نخستین پیروان دین مسیح نگران‌کننده بود: آنان به دلیل ترس از فتنه زنان مصری، بسیاری از تصاویر پیکره‌های زنان را از بین بردند و یا آن‌ها را با گچ پوشاندند تا از نگاه آنان در امان باشند؛ با این وجود خوشبختانه برخی آثار از این پیشامد در امان مانده و همچنان ما را مجذوب و شیفته زیبایی خود می‌کنند. نوشته‌های حک شده بر روی دیوارنگاره‌های آرامگاه‌های ملکه‌های مصر، آن‌ها را «ارباب- بانوی دو سرزمین»، «بانو- فرمانروای مصر علیا و مصر سفلی» و «همسر و پرستنده خدا» معرفی می‌کند. تصاویر برجسته و تندیس‌های بسیاری از آن‌ها باقی مانده است... هت‌شپ‌سوت، نفرتی‌تی، نفرتاری، کلئوپاترا... زندگی آن‌ها به افسانه بدل گشته است. اما واقعاً ملکه‌های مصر که بودند؟ به یقین از قدرتی بسیار برخوردار بودند. در جامعه و فرهنگی که داشتن آرامگاه باشکوه نشانه درخشش زندگی محسوب می‌شد، آرامگاه‌های قبرستان ساکارا و نیز آرامگاه‌های «دره ملکه‌ها» [3] گواه مسلم این قدرت به شمار می‌روند. البته چه نوع قدرتی؟ «ژان یوبوت می‌گوید: قدرتی سمبلیک و مذهبی و البته با شخصیت‌های چشمگیری چون هت‌شپ‌سوت، قدرتی سیاسی.» (کینه، 3) سرنوشت استثنایی ملکه‌های مصر تصویر تمدنی است که به زن، جایگاهی بسیار مدرن بخشیده است.

این نوشتار، بنابراین، بر پرسش جایگاه زن در مصر باستان، به خصوص در دوره سلسله هجدهم فراعنه، استوار است و در پاسخ موقت به این پرسش این فرضیه را مطرح می‌سازد که زن در مصر باستان به دلیل آموزه‌های مذهبی از جایگاهی والا و هم‌اورد مرد بهره‌مند بوده است. ما در این بررسی به دنبال این هدف هستیم که خوانندگان را به مقایسه واداریم؛ زیرا به باور ما، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به

ضعف‌ها و قوت‌های خود در آیینۀ دیگر فرهنگ‌ها و دیگر تمدن‌ها بیشتر و بهتر پی می‌برند. روش نگارنده در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است و از تکنیک جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره‌برداری شده است.

بحث و بررسی

مصری‌ها خدایان و الهه‌های مختلفی را می‌پرستیدند: آن‌ها را باید ایزدان پرست نامید. این خدایان اغلب بیانگر نیروهای طبیعت بودند؛ به همین رو نیل و خورشید همیشه در دره نیل مورد پرستش بوده‌اند. بیشتر خدایان مصر، خدایان محلی بوده و در منطقه و یا شهری خاص و یا حتی در دوره‌ای خاص مورد پرستش قرار می‌گرفتند، ولی برخی نیز در دوره‌هایی نسبتاً طولانی و در تمام سرزمین مورد پرستش قرار گرفتند. مصری‌ها مردمی به شدت مذهبی و پرهیزکار بودند، ایشان قسمت زیادی از اوقات شبانه روزی‌شان را صرف انجام امور مذهبی می‌کردند و در سال نیز اعیاد مذهبی متعددی داشتند. برای مثال روز اول سال نو مصری، روز اول طغیان نیل بود که با جشن‌های مذهبی بزرگی همراه بود و در پایان طغیان هم جشن‌های مذهبی دیگری برپا می‌داشتند.

زن‌ها در افسانه‌های اسطوره‌شناسی تمام ملل باستان نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. الهه‌های بسیاری را بنیان‌گذار شهرهای متعدد، نژادهای مختلف و یا حتی قاره‌های مختلف می‌دانند. الهه‌های بسیاری نیز هستند که برای ملتی مساعد و یا برای ملتی دیگر نامساعدند. در اسطوره‌شناسی مصر باستان «ایزیس»، همسر اوزیریس، سمبل همسر و مادر ایده‌آل؛ «هاتور»، الهه عشق، موسیقی و رقص، الهه آسمان و دایه فرمانروا، مادر هوروس؛ «مات»، سمبل نظم جهان، عدالت و واقعیت، بنیان‌گذار قانون رفتار انسانی، از مهم‌ترین الهه‌های مصر هستند که بیان نقش آن‌ها در تمدن مصر به ما کمک می‌کند هر چه بهتر با نقش زن مصری در آن تمدن آشنا شویم.

الهة ایزیس: آفریننده تمام هستی (تصویر 1)

طبق مستندات تاریخی، ایزیس از یک سو خواهر و همسر اوزیریس [4] و مادر هوروس [5] و از سوی دیگر در مقام الهه و ساحره، «مادر دنیا» محسوب می‌شد، آن که به تمامی موجودات عالم، حیات و زندگی می‌بخشید. ایزیس در نقش ملکه‌ای محبوب، به همراه همسرش اوزیریس بر آدمیان فرمان می‌رانده و صلح و شکوفایی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورده است. در مورد این که وی توانسته به قدرت‌های بی‌کران دست یابد نظرات زیادی وجود دارد و بررسی‌های متعددی صورت گرفته است. به هر حال با مطالعه و تحلیل بیشتر این تحقیقات مشخص می‌شود زمانی که رع [6] به دوران کهن‌سالی می‌رسد اطرافیان وی

برای به دست آوردن حکومت علیه او شورش می‌کنند، که در این میان نام ایزیس به عنوان اولین نفر به چشم می‌خورد. وی به یک مار زندگی بخشیده و او را به سوی رع، خدای خورشید، می‌فرستد تا وی را نیش بزند؛ پس از آن، رع از خدایان مصر تقاضا می‌کند که سلامتی وی را به او بازگردانند؛ اما خدایان نمی‌توانند درمانی برای او پیدا کنند. در این بین، ایزیس نزد رع رفته و به او اعلام می‌کند در صورتی که رع نام محرمانه خود را که سرچشمه قدرت جهانی است به او بگوید ایزیس به او کمک خواهد کرد تا سلامتی خویش را باز یابد. سرانجام، رع به ناچار شرط را می‌پذیرد و تمام قدرت بی‌کران خود را به او منتقل می‌کند و بدین سان ایزیس به فرمانروای جهان تبدیل می‌شود. از آن روز به بعد ایزیس به عنوان بزرگترین ساحره مصر در نظر گرفته می‌شود، چرا که قدرتش از قدرت تمام خدایان مصر بیشتر است. از آن پس، مردم مصر برای درمان بیماری‌ها و تسکین اضطراب خود از ایزیس کمک می‌طلبیدند و زیرکی، هوش و جاودانگی‌اش را می‌ستودند. وقتی برادر شرورش، ست، اوزیریس را به قتل می‌رساند و تکه‌تکه می‌کند و هر تکه را در گوشه‌ای می‌افکند، ایزیس خستگی‌ناپذیر چهار گوشه مصر را در جستجوی اعضای بدن همسر از دست رفته‌اش زیر پا می‌گذارد و پس از یافتن تمام اعضا، آن‌ها را کنار هم گذاشته و نخستین مومیایی تاریخ مصر را انجام می‌دهد و بدین سان، با احیای همسرش بر مرگ غلبه می‌کند و همسر را فرمانروای «دنیای مردگان» می‌گرداند (گرونیه، 1997: 3) و اینک «هزاران سال است که ایزیس در جزیره فیلا از آرامگاه همسر محبوبش مراقبت می‌کند» (ماریس، 73).

مات: الهه برابری و عدالت (تصویر 2)

در اسطوره‌شناسی مصر، مات، الهه نظم، تعادل جهان، «برابری، صلح، حقیقت و عدالت» است. مات، نماد هنجار جهانی است: تعادلی که خالق هستی بر تمام جهان حاکم کرده است، عدالتی که امکان درستکاری را فراهم می‌آورد، نظمی که معیار سنجش اعمال انسان‌هاست، حقیقت، درستی و اعتماد. مات بعدی الهی دارد: او هم مادر رع است، هم دختر و هم همسر او، و از طرف دیگر، خواهر روحانی فرعون نیز هست. او ضامن تعادل کیهان است و به لطف اوست که دنیا با هماهنگی و هارمونی اداره می‌شود، او نوری است که رع به دنیا می‌تاباند. از آن جا که نخستین وظیفه فرعون، رعایت «قانون مات» در سراسر سرزمین مصر است، او جزء جدانشدنی نهاد فراعنه به شمار می‌رود. از این روست که در تصاویر فراعنه، آن‌ها را در حال اعطای پیش‌کشی مات به خدایان می‌بینیم. این بدان معناست که فرعون باید در تمام اعمالش خود را با خواست‌های مات منطبق کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دومین بعد وجودی مات جنبه‌ای زمینی دارد و عبارت است از حفظ نظم اجتماعی و قضایی. از این روست

که او را نماد عدالت و برابری می‌دانند. در دنیای پس از مرگ، به هنگام توزین قلب شخص متوفی، تنها کسانی می‌توانند به بهشت رستگاران وارد شوند که سنگینی قلب‌شان از وزن پر الهه مات بیشتر نباشد. «عادل باش تا ماندگار شوی، غم‌خوار دردمندان باش، به زنان بیوه ستم مکن، کسی را از املاک ابا و اجدادش بیرون نینداز، به هوش باش که ناعادلانه کسی را مجازات نکنی.» (دوما، 1965: 167).

تصویر (2) برجسته الهه «مات» تصویر (1) الهه «ایزیس»



«پرعدالت» بر سرش. آرامگاه ستی اول. آفریننده جهان

هاتور: الهه عشق، موسیقی و رقص (تصویر 3 و 4)

از سوی او را به عنوان چشم رع در نظر می‌گیرند و در این راستا او را مجازات‌کننده افراد بشر می‌دانند؛ ولی از سوی دیگر او را بیشتر به عنوان «الهه جشن‌ها، عشق، موسیقی و رقص» می‌ستایند. هاتور یکی از قدیمی‌ترین خدایان مصر است. نام او به معنای «اقامتگاه خدای هوروس»، سبب شده که او را همسر هوروس بدانند. گاهی نیز او را در کنار ایزیس، مادر هوروس و در نتیجه، حامی هوروس می‌دانند. فراعنه از هاتور می‌هراسیدند و به او احترام بسیار می‌گذاشتند و بدین‌سان، خود را تحت حمایت او قرار می‌دادند. الهه هاتور دایه فرعون است و تجلی ملکه. هاتور را به شکل زنی با تاجی از قرص خورشیدی که دو شاخ گاو ماده احاطه‌اش کرده بودند، نمایش می‌دادند.

با بررسی جایگاه الهه‌ها در تمدن فراعنه و مشاهده برابری قدرت آن‌ها با قدرت خدایان به این نتیجه می‌رسیم که در این تمدن، مذهب، که اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی بشر دارد، مقامی یکسان و برابر برای خدایان مذکر و مؤنث خویش قائل است. با دریافت و پذیرش این واقعیت بدون هیچ شکی می‌توانیم بپذیریم که در این تمدن زن و مرد جایگاه و مقامی یکسان داشته و از حقوق و امتیازاتی برابر برخوردار بوده‌اند.

تصویر (3) تندیس الهه «هاتور» تصویر (4) تصویر برجسته الهه «هاتور»



*تصویر (4) تصویر برجسته الهه «هاتور» که به فرعون «ستی اول» زندگی می‌بخشد. واقع در آرامگاه فرعون مذکور در «دره پادشاهان».

مصر، سرزمین معنویت زنانه

همان طور که در زمین مصر، نابرابری بین زن و مرد معنی نداشت، در آسمان و در بهشت و در رابطه با مسائل معنوی نیز به هیچ وجه نابرابری دیده نمی‌شد. در دوره‌ی فراعنه، یک زن می‌توانست بالاترین مناصب روحانی را عهده‌دار باشد. «ملکه‌ی مصر، فرمانروای تمام آیین مذهبی بود، قدرت‌های معنوی و عبادی خود را در اختیار کاهنه‌های اعظمی قرار می‌داد که به نیابت از او در شهرهای بزرگ سرزمین مراسم مذهبی را برگزار می‌کردند.» (ژک، 1996: 271) البته برخی مسائل مختص زنان و برخی دیگر مختص مردان بودند، ولی در امور اصلی آن‌ها در پرستشگاه‌ها با هم و در کنار هم کار می‌کردند و بزرگان‌شان ممکن بود گاهی زن باشند و گاهی مرد؛ و البته زوج حاکم، متشکل از پادشاه و همسر بزرگ سلطنتی اجرای اصلی‌ترین مراسم مذهبی را به عهده داشتند. به علاوه، در زمینه مسائل معنوی، نه موقعیت اجتماعی و نه میزان ثروت هیچ نقشی نداشتند. در پیشگاه خدایان، فقط فضیلت قلب - وجدان اهمیت داشت. زنان ثروتمند، زنان و دختران بی‌بضاعت، زنان متأهل و بیوه و یا دختران مجرد، همه می‌توانستند به عضویت پرستشگاه‌ها درآیند و یا در اجرای مراسم مذهبی شرکت جویند. کاهنه‌های بزرگ با القاب مختلفی از جمله «همسر»، «حامی»، «اریکه سلطنت»، «مادر خدا» و یا «آن که شیر می‌دهد» (همان، 272) نامیده می‌شدند.

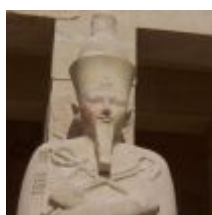
هت‌شپ‌سوت [7]

بزرگترین فرعون - زن شناخته‌شده در تاریخ مصر (تصویر 6و5)

ملکه - فرعون هت‌شپ‌سوت، پنجمین فرعون هیجدهمین سلسله فراعنه مصر، دختر توت‌مس اول، همسر توت‌مس دوم و قیم توت‌مس سوم، برادرزاده خویش، به مدت بیست و پنج سال به عنوان تجلی زنانه نقشی مردانه بر اریکه ملکوتی سلطنت تکیه زد. او که در ابتدا همسر بزرگ سلطنتی و بعد هم

نائب‌السلطنه بود و سپس به مدت 25 سال تاج مضاعف فرعون را بر سر نهاد، یکی از بزرگترین قهرمانان تاریخ مصر به شمار می‌رود. برخلاف آن‌چه به نظر می‌رسد او اولین یا تنها فرعون زن نبوده است؛ و در این راستا، جایگاه سیاسی وی به‌هیچ‌روی برای مصریان باستان تازگی نداشته است. وقتی توت‌مس اول دنیای خاکی را ترک گفت، دخترش هت‌شپ‌سوت، که در آن زمان بین 15 تا 20 سال داشت، با ازدواج با برادر ناتنی‌اش تومس دوم به همسر بزرگ سلطنتی تبدیل شد. به هنگام مرگ فرمانروا، پسرش تومس سوم که بین 5 تا 10 سال داشته، به مقام فرعون منصوب می‌شود. ولی از آن‌جا که هنوز قدرت حکومت نداشته مادر ناتنی‌اش، هت‌شپ‌سوت، به عنوان نائب‌السلطنه برگزیده می‌شود. استاد بزرگ آفرینش‌های هنری، اینهنی، در رابطه با هت‌شپ‌سوت چنین نوشته است: «او امور مصر را منطبق بر طرح‌های خود اداره کرد. کشور در برابر او، که تجسم بی‌نقص و الهی خدا بود، سر تعظیم فرود آورد. او پل ارتباطی شمال و جنوب بود؛ او ساکن‌دار ماهر حکومت و فرمانروایی بود که فرمان می‌راند، فرمانروایی که طرح‌های باشکوهش سبب ایجاد صلح و آرامش در «دو سرزمین» گشت.» (همان: 67).

تصویر (5) تندیس ملکه - فرعون. تصویر (6) تندیس ملکه - فرعون «هت‌شپ‌سوت»



موزه قاهره



تصویر 6 تندیس ملکه - فرعون «هت‌شپ‌سوت» با نشانه‌های سلطنت: تاج مضاعف، ریش مصنوعی، عصا و چوگان سلطنتی؛ مقابل یکی از ستون‌های پرستشگاه «دیر ال - بهاری» است. «در بیست و نهمین روز دومین ماه فصل زمستان در دومین سال فرمانروایی توت‌مس سوم، واقعه‌ای خارق‌العاده به وقوع پیوست. پیشگوی خدای آمون [8] در تالار بزرگ پرستشگاه لوکسور به هت‌شپ‌سوت وعده فرمانروایی داد. او 5 سال بعد تاج بر سر نهاد و با آن‌که فرمانروایی را از پسر ناتنی خود ربوده بود، اما او را در انجام فعالیت‌های رسمی بی‌شماری شریک خود گرداند؛ از جمله در استخراج معادن و یا افتتاح محراب‌های معابد.» (گج، 1997: 159).

بزرگترین شاهکار هت‌شپ‌سوت پرستشگاه «دیر ال - بهاری» واقع در کرانه غربی طبس است. عمارتی عظیم و باشکوه چسبیده به دیوارهای صخره‌ای که بر فراز آن مکانی به نام «قله»، بالاترین نقطه کوهستانی آن منطقه و محل سکونت الهه سکوت را مشخص می‌کند. این هرم صلیبی شکل که قسمتی از آن به دست انسان ساخته شده است بر «دره پادشاهان» و «دره ملکه‌ها» اشراف دارد.

هت‌شپ‌سوت به هنگام افتتاح معبد خویش چنین گفت: «من این عمارت را برای پدرم آمون، فرمانروای «دو سرزمین»، بنا کرده‌ام. من این پرستشگاه بزرگ چند هزارساله را با نام «قدس الاقداس» (le sublime des sublimes)، از سنگ‌های سفید و زیبای ترا، در این مکان که از ابتدای آفرینش به نام او رقم خورده است، برافراشته‌ام.» (ژک، 1996، 73). یکی دیگر از شاهکارهای فرمانروایی این فرعون - زن اعزام گروهی تجسسی به سوی سرزمین افسانه‌ای پونت بود؛ سرزمینی واقع در اریتره یا سومالی کنونی که در آن زمان به خاطر گیاه بسیار معطر و درمانگرش به نام «مرمکی» از شهرتی افسانه‌ای برخوردار بوده است؛ بزرگان مصر از این گیاه هم برای معالجه و هم به عنوان عود در پرستشگاه‌های‌شان استفاده می‌کردند. آن‌ها بر این باور بودند که این گیاه آسمانی محبوب خدایان است. هت‌شپ‌سوت با استفاده از نقشه‌هایی قدیمی کاوشگرانی به جستجوی این سرزمین افسانه‌ای فرستاد؛ آن‌ها که نمی‌دانستند این سرزمین در جنوب کوه‌هایی واقع است که سرچشمه‌ی نیل بودند، «به سمت پایین نیل کشتی راندند، از دلتا گذشتند، به سمت شرق چرخیدند و با عبور از کانال سوئز وارد دریای سرخ شدند و در امتداد ساحل شرقی پیش رفتند» (جواهری، 1379، 424) و سرزمینی که وجودش را باور نداشتند با باغ‌های آکنده از عطر مرمکی‌اش پیش روی خود یافتند. گروه کاوشگران هت‌شپ‌سوت، «با کشتی‌هایی مملو از مرمکی، عود، عاج، آبنوس و طلا به مصر بازگشتند» (همان) و باغ‌های پرستشگاه فرعون - زن قدرتمندشان را با آن‌ها آراستند. روابط تجاری با سرزمین پونت پس از سیصد سال به لطف جسارت این زن قدرتمند از سر گرفته شد.

کریستیان دسروش - نوبل کور می‌نویسد: «نام فرعون به معنای خانه بزرگ، نخستین بار در دوره سلطنت هت‌شپ‌سوت به کار رفت و به کاخ اطلاق می‌شد. پس از آن، این واژه برای نامیدن فرمانروای ساکن این خانه بزرگ به کار رفت؛ مفهوم واژه‌هایی مانند کاخ سفید و یا کاخ البیزه امروزی برگرفته از همین نامگذاری می‌باشند.» (دسروش - نوبل کور، 196) دوران فرمانروایی هت‌شپ‌سوت از جمله آرامترین فرمانروایی‌های مصر به شمار می‌رود.

تصویر (7) پرستشگاه «دبر ال - بهاری»



زن در خاندان سلطنت

با توجه به آن چه تاکنون گفته شد شاید این سؤال مطرح گردد که فراعنه با همسران خود چگونه رفتار می‌کردند و آیا برای آنان ارزشی واقعی قائل بوده‌اند یا نه؟ در پاسخ باید گفت آری، فراعنه به همسران خود احترام بسیار گذاشته و حقوق‌شان را رعایت می‌کردند؛ چرا که اگر غیر از این می‌بود زنان در آن دوران از چنین امتیازات و احترامی که گفته شد برخوردار نمی‌شدند.

یکی از فرعون‌هایی که بسیار خانواده خویش را ارج می‌نهاد آخناتون [9] است. وی پدری دقیق و همسری کامل برای خانواده خویش بود و بیشتر وقت خود را با همسرش نفرتی‌تی [10] و فرزندانش در باغ‌های مجلل کاخ خود در جنوب مصر می‌گذراند. دیوارنگاره‌های معبد آتون واقع در «شهر روشنایی» که امروزه به نام «تل ال-آمارنا» معروف است، نشان می‌دهد که وی به همسر خود علاقه بسیار داشته و در کنار او احساس خوشبختی کامل می‌کرده است، به عنوان مثال در تصویری همسر وی را می‌بینیم که خود را به زیبایی آراسته (پیراهنی سفید و توری بر تن با کلاه‌گیسی مجعد بر سر) و با شش دختر خود مشغول بازی است و فرعون آخناتون، که عاشق ادبیات است، روی یک صندلی چوبی نشسته و شعر می‌سراید؛ این نشانه وجود آرامش و محبت در خانواده فرمانرواست. چیزی که شاید در جوامع امروزی تا حد بسیار زیادی کم‌رنگ شده باشد.

«نفرتی‌تی نه تنها در خواندن، حساب، خوش‌نویسی، خیاطی، گلدوزی، آشپزی، نقاشی، ورزش و رقص‌های مذهبی سرآمد بود، بلکه بنا به دلایل شخصی به مطالعه‌ی معارف دینی و ایدئولوژی‌های مختلف نیز می‌پرداخت. در پی این مطالعات، گرایش وی به آتون بیشتر گشت... او نخستین کسی است که به خدای آخناتون ایمان آورد.» (محموظ [11]، 47) و زمانی که آخناتون برای مقابله با قدرت آمون تصمیم گرفت آیین یکتاپرستی را ترویج دهد، همسر و مادرش به عنوان اولین و مهمترین حامیان او همواره از وی پشتیبانی کردند و در تمامی مراسم مذهبی در کنار وی حضور می‌یافتند. «این پادشاه و ملکه اصلاح‌گرا، مذهب سنتی‌شان را منسوخ و نامفهوم می‌پنداشتند. در سرزمینی که بیش از دو هزار سال بود تغییری در آن رخ نداده بود، باید نگاهی نو به مذهب و خدایان می‌افکندند. آن‌ها از بین تمامی خدایان سنتی مصر فقط آتون را می‌پرستیدند: یکتاپرستی.» (کینه، 7) «پس از استقرار در پایتخت جدید، که آن زمان «آخناتون» نام گرفت و اینک نام «شهر روشنایی» را بر خود دارد و دنیا تا آن زمان زیباتر از آن را ندیده بود، نخستین مراسم نیایش را در پرستشگاه آتون واقع در مرکز شهر برپا کردند. نفرتی‌تی جوان و زیبا چنگ نواخت و با صدایی دلنشین چنین خواند: ای هستی، ای سرچشمه حیات! تو زیبایی خود را در زمین دمیدی، تو ما را با نیروی عشقت گرد هم آوردی...» (محموظ، 52) آن که در زبان مصری «عالی است کمال آتون»

نام گرفته است، در تحولات مذهبی این دوره نقشی بنیادین ایفا کرد. او سمبل زنانۀ خورشید و اهداکنندۀ زندگی بود؛ و ایمان آورندگان به خدای یکتای آتون، در پرستشگاه آتون خطاب به او دعا می‌خواندند تا او برای «دو سرزمین» باروری به ارمغان بیاورد. یکی از دیوارنگاره‌های مرزی شهر روشنایی دربارهٔ نفرتی‌تی چنین می‌نویسد: «فرمانروای خوشبختی و سعادت، با چهره‌ای روشن، آراسته به تاج دو پر الههٔ هاتور، لبریز از تمام پاکدامنی‌ها، با صدایی خوش‌آهنگ که آدمی را مشعوف می‌کند، بانویی سرشار از وجاهت و آکنده از عشق که احساساتش ارباب «دو سرزمین» را به وجد می‌آورد.» (ژک، 1990، 104). تصویر دیگری نیز وجود دارد که در آن به راحتی می‌توان به علاقهٔ وافر آخناتون به همسر و دخترانش پی برد: این دیوارنگاره، فرعون آخناتون و همسرش را در حال گریه در کنار جنازهٔ دختر دومشان که بین 11 تا 15 سال داشته، به تصویر کشیده است (همان، 1996، 109).

تصویر (9) اریکه سلطنت فرعون «توتانخامون»



تصویر (8) مجسمه نیم تنه ملکه «نفرتی‌تی»



* موزه بریتیش لندن

یکی دیگر از این ملکه‌های قدرتمند، آنخسا (به معنای: دختری که برای آتون زندگی می‌کند) است: دختر سوم آخناتون و نفرتی‌تی، همسر توتانخامون معروف که آرامگاهش کاملاً دست نخورده در نهم نوامبر 1922 به دست هاوارد کارتر، مصرشناس انگلیسی، کشف و باز شد. «اسباب و اثار، پاپیروس‌ها و سنگ‌نوشته‌هایی که در این آرامگاه پیدا شدند، همگی حکایت از عشق بی حد توتانخامون به همسرش دارند و نقش کلیدی این ملکهٔ مصمم و با اراده را در ادارهٔ سرزمین به تصویر کشیده‌اند.» (گرونی، 1997: 107). روی صفحه‌ای از جنس عاج او را می‌بینیم که پیراهنی بلند و پلیسه به تن دارد و دو مار کبرای روی تاجش، که مقابل پیشانی‌اش قرار دارند، سمبل سلطۀ او بر سراسر سرزمین مصر هستند. روی پشتی اریکهٔ سلطنت، او را با چهره‌ای جافتاده‌تر می‌بینیم که تاجی شامل دو شاخ گاو ماده با خورشیدی در وسط و دو پر بلند در دو طرف به سر دارد: پرها نشانهٔ نفس ملکوتی و دو شاخ گاو ماده

سمبل الهه هاتور هستند. در جایی دیگر زیر تصویر او نوشته شده: «محبوبه ساحره بزرگ» (ژک، 1988: 566)، به علاوه دهها تصویر دیگر که این ملکه را در لحظات مختلف زندگی روزمره و یا زندگی اجتماعی، در کنار فرعون به نمایش کشیده و گواه از ضرورت حضور او دارند. در تصویر 9، ملکه «آخسا» در حال تقدیم روغن معطر خدایان به همسرش ترسیم شده است. در جایی که بخواهیم از زنان قدرتمند مصر سخن به میان آوریم، نمی‌توانیم نام نفرتاری، همسر رامسس دوم معروف را نادیده بگیریم. آن که در تاریخ مصر، «زیباترین» لقب گرفته است، همه جا در کنار همسر سلطنتی‌اش حضور به هم می‌رساند. «او به عنوان مشاور فرعون، در زندگی اقتصادی، سیاسی کشور، به ویژه در مذاکرات با هایتیت‌ها شرکت می‌جوید.» (کینه، 15) در تمام جشن‌ها و تمام مراسم مذهبی او را می‌بینیم که در ارابه و ویژه خویش در میان هیاتی پرشکوه ارابه زرین فرعون را دنبال می‌کند و در پرستشگاه‌ها به عنوان همسر خدا، او را یاری می‌رساند. «کریستین دسروش - نوبلکور مصرشناس در باره او چنین می‌نویسد: پادشاه، شخصاً اراده کرد همسر بزرگ سلطنتی‌اش چنین نقشی داشته باشد. از آن‌جا که نفرتاری تبار سلطنتی نداشته است، به طور موروثی نمی‌توانسته به مقام «پرستنده ملکوتی» دست یابد. رامسس با ارتقاء همسر محبوبش تا مقام الهه، نقش ملکوتی او را تحکیم کرد.» (همان، 6) رامسس دوم در فاصله تقریباً 1300 کیلومتری پایتخت خود، «پی - رامسس»، کمی پایین‌تر از دومین آبشار نیل، در ساحل رود و در دل صخره‌ها دو معبد عظیم به افتخار خود و همسرش نفرتاری بنا کرده که نام «ابو - سمیل» را بر خود دارند. در این معبد با القابی چون «بانو - فرمانروای دو سرزمین»، «آن که بر مصر علیا و سفلا فرمان می‌راند»، «ارباب - بانوی تمام زمین‌ها»، «آن که خدایان را خشنود می‌کند» از نفرتاری سخن می‌گویند. در پرستشگاه لوکسور، حضورش را در یک جشن به تصویر کشیده و این‌طور نوشته‌اند: «علیاحضرت، غنی از مدح و ستایش، فرمانروای لطف و ملاحظت، ارباب «دو سرزمین»، زن کامل، آن که چنگ در دست دارد، آن که پدرش آمون را خرسند می‌کند، آن که از همه بیشتر دوستش داریم، آن که تاج بر سر دارد، ترانه‌خوان خوش‌سیم، آن که کلامش کمال می‌بخشد. هر آن چه که او بخواهد برآورده می‌شود، هر حقیقتی متناسب با میل او به شناخت تحقق می‌یابد، کلام او شادی بر چهره‌ها می‌نشانند، صدای او زندگی می‌بخشد.» (ژک، 1996: 129).

آرامگاه نفرتاری، واقع در «دره ملکه‌ها» یکی از شاهکارهای هنر معماری مصر باستان محسوب می‌شود. «این خانه ابدیت مجموعه عظیمی است با دیوارنگاره‌های باشکوه و استثنایی که از هر سو، تصویر ملکه محبوب رامسس دوم را به هنگام انجام وظایف ملکه و یا فرایض دینی پیش روی بیننده می‌گسترانند.» (سیلیوتی، 11).

تصویر (10) ملکه «نفرتاری»، محبوبه رامسس دوم، در حال اعطای پیشکشی به خدایان، روی دیواره‌های آرامگاه وی واقع در «دره ملکه‌ها».



تربیت دختران

با نگاهی به تاریخ مصر باستان در می‌یابیم که مادران مصری همواره دختران خود را زیر نظر داشته‌اند تا میزان توانایی آنان را در زمینه‌های مختلف هم‌چون یادگیری آواز، نواختن ساز، ریستن و بافتن دریابند؛ چرا که از یک‌سو این توانایی‌ها مربوط به الهه‌های مصر هاتور و نت [12] بود و از سوی دیگر دختران مستعد با بهره‌گیری از این توانایی‌ها می‌توانستند در معابد مشغول به کار شوند. دختران می‌توانستند هم‌چون پسران در مدرسه روستای خود خواندن و نوشتن را بیاموزند و اگر قصد ادامه تحصیل را داشتند می‌بایست به شهر می‌رفتند و یا در مدرسه معبد پذیرش می‌گرفتند. در واقع هدف از این آموزش‌ها که گاهی رنگ و بوی اجبار به خود می‌گرفت، شناخت و رعایت قانون جاودانه مات [13] بود. بدین‌سان، دختر جوان مصری جهت اعمال این قانون در زندگی روزمره خود می‌بایست حقیقت را دوست بدارد، به دروغ نفرت ورزد، از افراط و هوس‌های مخرب دوری کند، برای خود به عنوان کانون جهان ارزش مضاعف قائل نشود، اتحاد و همبستگی را در کارهای خود اعمال کند، گوش دادن را بیاموزد، فضیلت سکوت را تجربه کند، آگاهانه سخن بگوید، نسبت به کوچکترین وسوسه بیرونی عکس‌العمل نشان ندهد، در هر چیز تقدس و آیین را بپذیرد و سعی کند که به درستی رفتار کند. برای مصریان، این آموزش که انسان بتواند مطابق قانون مات سخن بگوید و عمل کند از هر آموزش و دانش دیگری بالاتر بود.

جایگاه زن در خانواده

این‌که زنان، به خصوص آنان که وجودشان سرشار از عشق گشته به ازدواج فکر می‌کنند، امری مسلم است. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا ازدواج برای یک زن مصری اجباری بوده است؟ در پاسخ باید گفت که در مصر باستان نه! در واقع هیچ قانونی نمی‌توانسته زن مصری را مجبور به ازدواج با یک مرد کند. چرا که او همان‌طور که پیش‌تر گفته شد از استقلال قضایی برخوردار، اموال شخصی‌اش

تحت ادارهٔ مستقیم خودش است و هیچ‌کس نمی‌تواند در این امور از او سلب مسئولیت کند. این استقلال باعث تعجب بسیاری از یونانی‌های آن زمان بود که آن را تقریباً خلاف اخلاق می‌دانستند. یک دختر جوان در سن پانزده سالگی و یا حتی زودتر از آن امکان شروع زندگی مشترک را داشته است. از نظر خردمندان، این سن زمان مناسبی برای به دنیا آوردن فرزند تلقی می‌شده است. به محض این‌که دختر تصمیم به ازدواج می‌گرفت هیچ‌کس نمی‌توانست مانع او شود. البته او می‌بایست در این مورد با والدینش صحبت می‌کرد اما پدر حق نداشته خواستگاری را به او تحمیل کند؛ و در صورت اختلاف نظر، رأی و عقیدهٔ دختر جوان اعمال می‌شد. البته در بسیاری از موارد تفاهم خانوادگی وجود داشته به خصوص آن‌که به پدر توصیه می‌شد تا داماد آینده‌اش را از نظر قابلیت‌های فردی بسنجد نه از لحاظ رفاه مادی احتمالی.

آزادی در انتخاب همسر

برخلاف بسیاری از جوامع امروزی که خواستار آن هستند که دختر اصل وفاداری را هم قبل و هم بعد از ازدواج رعایت کند، در مصر باستان زن می‌توانسته قبل از ازدواج روابطی آزادانه داشته باشد و پس از ازدواج بود که از او وفاداری محض می‌طلبیدند. اما آن‌چه بیش از این لیبرالیسمی که حتی در دوران کنونی ما در بسیاری فرهنگ‌ها وجود ندارد، سبب شگفتی می‌شود وجود ازدواج‌های موقت برای مدتی مشخص است. در پاپیروسی که به آن دوران برمی‌گردد چنین می‌خوانیم: «پسر یکی از نگهبانان غازها با دختری برای مدت نه ماه ازدواج کرد. او به همسرش اموالی داد که به معبد سپرده شدند. در طول این مدت اگر زن پیمان ازدواج را فسخ می‌کرد اموال به مرد می‌رسید. اما اگر مرد از زن می‌خواست تا خانه را ترک کند این اموال به زن تعلق می‌گرفت.» (ژک، 1996: 63).

ازدواج - زندگی در کنار هم

آنی، دانای مصری، در بیست و ششمین مورد از پندهای خود در رابطه با داماد می‌گوید: «خانه‌ای برای خود بنا کن. خواهی دید که این امر نفاق و بی‌نظمی را از تو دور می‌کند. مپندار که می‌توانی در منزل والدینت سکنی گزینی.» (همان، 1996: 163).

در مصر فراعنه، اصل ازدواج آن است که زن و مرد زیر یک سقف در خانه‌ای که متعلق به خودشان است با هم زندگی کنند. طبق اسناد موجود از آن زمان ازدواج به معنی «ساخت یک خانه»، «زندگی مشترک»، «ورود به خانه» تعبیر شده است. از سوی دیگر ازدواج اقدامی اجتماعی مبتنی بر زندگی مشترک بوده که زن و مرد با آزادی کامل تصمیم به انجام آن می‌گرفتند. باید توجه داشت همان‌طور که ذکر شد ازدواج اقدامی اجتماعی بوده و نه قضایی و حقوقی. به محض این‌که یک زن و

مرد با اطلاع همگان شروع به زندگی مشترک می‌کردند زن و شوهر محسوب شده و می‌بایست وظایف و تکالیف مربوط به آن را بر عهده می‌گرفتند.

قراردادهای ازدواج - حمایت از زن

گفته می‌شود که با دو جمله «تو شوهر من هستی» و «تو همسر من هستی» پیمان ازدواج بسته می‌شد. (الم، 1981:116).

با این حال مصریان اقدامات قضایی خاصی اتخاذ کرده بودند که دغدغه و هدف اصلی‌اش تضمین و تأمین زندگی زن در مواردی چون تیره‌بختی، بیوگی و طلاق بود. در واقع از مرد می‌خواستند تعهد دهد در صورتی که زندگی مشترک‌شان با شکست یا طلاق روبه‌رو شود، رفاه مادی زن را تأمین و تضمین کند. در شرایطی که مرد از زن می‌خواست خانه را ترک کند می‌بایست نه تنها اموالی را طبق آن چه که در قرارداد ازدواج‌شان آمده است به او دهد، بلکه یک سوم از تمامی آن چه که از اولین روز پیمان‌شان به دست آورده‌اند نیز به زن تعلق بگیرد. البته باید متذکر شد که مرد باید آن چه را که زن به عنوان جهیزیه با خود آورده بود به او برگرداند یا مبلغی برابر با آن را.

طبق مدارک موجود، دلایل مربوط به جدایی همان چیزهایی است که امروزه نیز وجود دارد، مانند: ناسازگاری‌های شدید، زنا، تمایل به زندگی با یک فرد دیگر، درگیری بر سر منافع و نازایی. البته بزرگان مصر به مردان سفارش کرده‌اند که از زن خود به بهانه این که نمی‌تواند بچه‌دار شود، جدا نشوند. مرد به خوبی می‌داند که نمی‌تواند همسرش را نسنجیده و بی‌حساب طلاق دهد چرا که ممکن است به خاطر این کار مجبور به پرداخت جرایم سنگینی همچون از دست دادن تمامی اموال مشترک‌شان شود. به این شکل، زن مصری در برابر جدایی‌های نابجا و ناعادلانه حمایت می‌شد. دست‌نوشته‌ای وجود دارد که در آن به موردی اشاره شده که زن یک چشم خود را از دست داده و مرد خواهان طلاق وی پس از بیست سال زندگی مشترک و ازدواج با یک زن جوان و زیباست: «زن در حالی که هیچ هراسی از آینده خود ندارد خمی به حق نسبت به همسرش نشان می‌دهد در واقع او می‌داند که چنین دلیلی برای جدایی قابل قبول نیست و در صورت جدایی مرد می‌بایست توان سنگینی بپردازد.» (ژک، 1996:166).

حفظ نام خانوادگی زن

اگر این امکان وجود داشت که یک زن از دوران فراعنه پا به عصر ما بگذارد به طور قطع بسیاری از ابعاد جامعه ما به دلیل سختگیری‌های قضایی اعمال شده، سبب شگفتی وی می‌شد و بی‌شک در این میان چیزی که بیش از همه در نظر او غیر قابل تحمل و غیرمنطقی می‌نمود نامیدن زن با نام

فامیلی همسرش است. در واقع با پیروی از این قاعده نام و نام خانوادگی زن کنار گذاشته می‌شود. اقدامی که از نقطه نظر یک زن مصری به انکار هستی و موجودیت زن منجر می‌گردد. چرا که در مصر زنان با ازدواج نام فامیلی همسر خود را نگرفته و با نام خانوادگی خود خوانده می‌شدند. مصریان بر این باور بودند که نام خانوادگی یکی از عناصر اساسی است که امکان گذر از این دنیا به آن دنیا را فراهم می‌آورد، و ازدواج به عنوان یک اقدام دنیوی نمی‌بایست باعث از بین رفتن آن شود.

نتیجه‌گیری

بطالمه، فرمانروای یونانی، حدود سال 200 ق.م زن مصری را تا حد زن یونانی پایین آورد و برای انجام هر گونه اقدام قضایی یا تجاری یک قیومیت مردانه بر او تحمیل کرد. برابری زن و مرد، که یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های تمدن فراعنه بود، از بین رفت. بعد از آن، در حدود سال 180 میلادی، مسیحیت با ممنوعیت مطلق ورود زنان به حوزه کلیسا، ضربه دیگری به این نابرابری وارد کرد. مسیحیت و یهودیت زن را در فرودستی معنوی محبوس کردند. همان‌طور که مشاهده شد وسعت حقوق و امتیازات زنان در تمدن فراعنه به حدی بود که هیچ تمدن و فرهنگی تا پس از پایان جنگ جهانی دوم نتوانست با آن برابری کند؛ البته این فتح مدرن زنانه تنها به چند کشور پیش‌رفته و آن هم فقط در زمینه اجتماعی و اقتصادی مربوط می‌شود. در واقع، در زمینه مسائل معنوی، زن مصری به چنان اوجی رسیده بود که پس از انقراض آن تمدن دیگر هرگز دیده نشد. بزرگترین و مهم‌ترین قدرت‌های معنوی، نه در دست خدایان، بلکه امتیاز انحصاری الهه‌ها بوده است: پرستش خالق هستی با پرستش یک زن همراه بود، قانون برابری و عدالت را که از مهم‌ترین اصول «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است یک زن اعمال می‌کرد. تمدنی که اساسی‌ترین اصول بنیادی‌اش را مدیون زنان است نمی‌توانسته زن را «جنس دوم» بداند، نمی‌توانسته او را زیردست مرد بداند و در پستوی خانه‌ها محبوسش کند. تمدنی که قانونگذارش الهه‌ای قدرتمند بوده نمی‌توانسته برای زنان حقوقی کمتر از مردان قائل باشد. ارزش‌های مطرح شده در آن زمان به قدری گسترده، آزاد و خلاق بودند که نمی‌توانستند در مذاهب جزم‌گرا محبوس شوند.

زنان مصری دنیایی را شناختند که در آن، زن نه حریف مرد بود و نه رقیب او؛ دنیایی که به آن‌ها اجازه می‌داد در مقام یک همسر، یک مادر، و یا در مقام یک زن شاغل و یا یک کاهنه شکوفا شوند بی‌آنکه ناچار گردند در رقابتی مردانه و بی‌رحم هویت خود را از دست بدهند.

شاید بتوان منشأ این احترامی را که تمدن فراعنه برای زنان قائل بود و نقشی که در جامعه به آن‌ها اختصاص داد، در ادراک آن‌ها از نقش زن آسمانی [14]، الهه‌ها و نیز قطبیت زنانه در آفرینش دانست.

پی‌نوشت‌ها

1- تمدن سرشار از رونق و موفقیت فراعنه حدود پنج هزار سال پیش به لطف نیل و در ساحل نیل، با اتحاد دره نیل (مصر علیا) و دلتای آن (مصر سفلا) توسط فرعون نارمر و تشکیل حکومت «دو سرزمین» آغاز شد و سه هزار سال بعد، در سال 30 ق.م با مرگ کلئوپاترای معروف به خاموشی گرایید. در این سه هزاره، سی سلسله بومی و یک سلسله یونانی‌تبار بر تخت سلطنت مصر تکیه زده‌اند. این سلسله‌ها به سه دوره امپراطوری تقسیم می‌شوند که به این ترتیب نامگذاری شده‌اند: امپراطوری کهن (2700-2200 ق.م)، امپراطوری میانه (1710-2032 ق.م) و امپراطوری جدید (1550-1070 ق.م). هر یک از این دوره‌ها با دوره‌های بحران و آشوب و هجوم تمدن‌های دیگر از هم جدا می‌شوند.

2- Christian JACQ: کریستیان ژک پس از کسب دکترای باستان‌شناسی و مصرشناسی از دانشگاه سوربن پاریس، مدیریت «انستیتو رامسس» را به عهده می‌گیرد که کار آن نسخه‌برداری از متون باستانی مصر و انتشار آن‌ها، و نیز تأسیس بخش تصویر و عکس در ارتباط با مصر باستان بود. تا پیش از سال 1980 بیش از 20 رساله درباره مصر می‌نویسد که رساله «مصر فراعنه بزرگ» به کسب جایزه «آکادمی فرانسه» نائل می‌گردد. در سال 1987 با انتشار کتاب مستند «شامپولین مصری» شهرت و افتخاری باورنکردنی به او روی می‌آورد. از این پس به منظور تحقیق بخشیدن به روای دیرینه‌اش، همراه با همسرش به خانه-کتابخانه‌ای نقل مکان می‌کند که بیش از 10 هزار نسخه کتاب مستند تاریخی مصر، به علاوه مجلات و کتاب‌های مصور بی‌شماری در این زمینه دکور اصلی آن را تشکیل می‌دهند. در کنار رساله‌های بی‌شمارش درباره مصر به نگارش رمان‌های تاریخی در همین زمینه می‌پردازد که البته موضوع بیشتر آن‌ها به فرمانروایان سلسله هیجدهم فراعنه (14 قرن پیش از میلاد) مربوط می‌شود. با 12 تا 14 ساعت کار در روز به نگارش رساله، رمان و آلبوم‌های مصور ادامه می‌هد. در سال 1994 کتاب «قاضی مصر» او به مدت یک سال تمام و با فروش 300/000 نسخه، پرفروش‌ترین کتاب سال فرانسه محسوب می‌شود. وی به طور هم‌زمان به عنوان عضو انجمن‌های متعدد مصرشناسی به کاوش در مناطق باستان‌شناسی مصر ادامه می‌دهد. کریستیان ژک در سال 1997 با شرح زندگی معروف‌ترین فرعون مصر، رامسس دوم، در پنج جلد، و با فروش 650/000 نسخه در فرانسه و 11 میلیون نسخه در تمام دنیا، پرخواننده‌ترین نویسنده زمین شناخته می‌شود. از این رو بیشتر مراجع نویسنده این تحقیق، که خود نیز با کسب اجازه از کریستیان ژک، رمان «ملکه خورشید» ایشان را ترجمه و در ایران منتشر کرده است، رساله‌های این محقق، مصرشناس و رمان‌نویس شهیر فرانسه می‌باشد.

3- La vallée des reines

4- Osiris خدای مردگان: به وسیله خدایان به عنوان پادشاه جهان برگزیده شده بود. او را به وسیله مردی با لباس سفید چسبان و کلاه بلند سفید همراه با دو پر که نشانه‌های سلطنت هستند، نمایش می‌دادند (جواهری، 1377: 90).

- 5- Horus: قدیمی‌ترین خدای سپهر با سر شاهین و چشم‌هایی که همه جا را، حتی به هنگام شب نیز می‌دیده، و آن‌ها را به ماه و خورشید نسبت می‌دادند. هوروس خدای ستاره‌ها و فلک بوده و از زمان پیدایش مصر، بر زمین و آسمان فرمانروایی می‌کرد. از سوی دیگر، هوروس معرف فرعون نیز می‌باشد (جواهری، 1377: 307).
- 6- Rê: خدای خورشید؛ غالباً به عنوان آفریننده جهان در نظر گرفته می‌شد و خورشید را در حرکتش از شرق به غرب معرفی می‌کرد. او را به شکل مردی با سر شاهین با کلاه‌هی به شکل قرص خورشید، احاطه شده با مار کبرای حامی، نمایش می‌دادند (جواهری، 1377: 89).
- 7- فرعون‌ی افسانه‌ای به نام نارمر در حدود 3150 ق.م مصر علیا، شامل درل نیل واقع در جنوب را با مصر سفلا، شامل دلتای نیل واقع در شمال، با هم متحد کرد و امپراطوری عظیمی ایجاد کرد که مصریان آن را «دو سرزمین» نامیدند. او تاج سرخ رنگ مصر علیا را با تاج سفید رنگ مصر سفلا یکی کرد و «تاج مضاعف» را بر سر نهاد.
- 8- Amon: در ابتدا آمون را به عنوان خدای آفریننده جهان، در طبس می‌ستودند و وقتی قدرت در اختیار اهالی طبس قرار گرفت او به عنوان پدر خدایان، به مدت 1500 سال در تمام کشور مورد ستایش قرار گرفت. نام او یعنی: «آن که از نگاه‌ها پنهان است»، چرا که هیچ‌کس نمی‌توانست او را ببیند. بعدها او را کنار رع قرار دادند و با نام آمون-رع به یکی از عناصر ضروری زندگی تبدیل گشت. او را به شکل مردی با ریش پادشاهان نمایش می‌دادند (جواهری، 1377: 88).
- 9- Akhénaton: نامی است که فرعون آمنوفیس چهارم (Aménophis IV) برای خود برگزید؛ به معنای «روح سودمند خدای آتون» است. او پسر ملکه تی‌ای قدرتمند و فرعون آمنوفیس سوم، نهمین فرعون سلسله هیجدهم فراعنه و چهره‌ای بحث برانگیز است که اغلب به عنوان عرفانی‌ترین چهره‌های تاریخ از او یاد می‌کنند. وی در دوران فرمانروایی‌اش تاریخ مصر را دگرگون کرد و آیین پرستش آمون و قدرت کاهن‌های او را محدود کرد و پرستش خدای یکتا را که در غالب قرص خورشیدی به نان «آتون» بود و خود را پیامبر او می‌دانست، بنیان نهاد. در زمینه هنر نیز به موازات اصلاحات مذهبی، با ظهور قوانین زیبایی شناختی جدید، که آمیزه‌ای از باروک و ناتورالیسم بودند، روبه‌رو هستیم. این فرعون در تاریخ مصر به فرعون «مرتد» معروف است.
- 10- Néfertiti: همسر فرعون آخناتون، که به همسر خود در ترویج آیین یکتاپرستی کمک بسیار نمود. وی در مصر به دلیل زیبایی وصف‌ناپذیرش شهرت بسیار داشته است.
- 11- نجیب محفوظ: نویسنده مصری که در سال 1988 موفق به کسب جایزه نوبل ادبیات گشت. در واقع او تنها نویسنده عرب زبان است که موفق شده این جایزه پرافتخار را از آن خود گرداند.
- 12- Neith: الهه شهر سائیز که وقتی سلسله بیست و ششم فراعنه این شهر را پایتخت خود قرار داد به الهه این سلسله تبدیل گشت. یکی از وظایف او حفظ معدن پادشاه مرده است، که آن را در یکی از گلدان‌های چهارگانه تابوت پادشاه می‌گذاشتند. او را به شکل زنی با تاج سرخ رنگ مصر سفلی، تعدادی تیر و کمان و سپری در دست نشان می‌دادند.

جایگاه زن در تمدن فراعنه 117

- 13- **Maât**: الهه مأت نماد واقعیت، نور و هماهنگی جهانی در نظام اخلاقی است. مأت نشانگر کار درست، خوبی، واقعیت و رعایت برابری؛ او نقطه مقابل بدی، هرج و مرج، دروغ و هرگونه تقلب و تحریک است. او هدف انسان را بر روی زمین تضمین حفظ تعادل «بین مرد و زن و خوبی و بدی» و تولید کار هنری از ورای قانون الهی می‌داند. او را به شکل الهه‌ای با تاجی آراسته به یک پر شتر مرغ نشان می‌دادند
- 14- اشاره‌ای به الهه نوت: الهه آسمان که بر روی آسمان خم شده، پاهایش از یک سو و کف دست‌هایش از سوی دیگر با زمین در تماسند؛ اوست که آفتاب را به هنگام غروب می‌بلعد و به هنگام طلوع، نوری جدید می‌آفریند.

منابع

- ژک، کریستیان (1377). ملکه خورشید، ترجمه بهاره جواهری، تهران، انتشارات تهران.
- گنج، پولین (1379). بانوی نیل، ترجمه بهاره جواهری، تهران، انتشارات یاسین.
- Allam, S. (1981). *Quelques aspects du mariage dans l'Égypte ancienne*. Londres: 67. JEA.
- Daumas, François (1965). *La civilisation de l'Égypte pharaonique*. Paris : Ed. Arthaud.
- Desroches Noblecourt, Christiane (2006). *Le Fabuleux héritage de l'Égypte*. Paris. Ed: Pocket.
- Grenier, Alexandre. (1997). *Passion de l'Égypte*. Paris : Ed. Atlas.
- Jacq, Christian. (1988). *La Reine Soleil*. Paris : Ed. Julliard.
- . (1991). *Néfertiti et Akhenaton, le couple solaire*. Paris. Ed. Perrin.
- . (1996). *Les égyptiennes*. Paris : Ed. Librairie Académique Perrin.
- Kiner, Aline. (1998). *Les reines d'Égypte*. Paris : Sciences et Avenir. 618 bis.
- Mahfouz, Naguib¹. (1998). *Akhénaton le renégat*. Paris. Ed : Folio.
- Maris, François. (1998). *La gloire des pharaons*. Paris : Méditerranée – Magazine. Hors-série n 9.
- Robins, Gay. *Women in Ancient Egypt*. (1993) London.
- Siliotti, Alberto (1997). *Voyage au cœur des Grandes Civilisations*. Paris. Ed: e.f.s.a.
- Yoyotte, Jean. (1996). *L'Expresse*. Paris. N : 2372
- www.egyptos.net/egyptos/dieu
- <http://fr.wikipedia.org>